



The Role of Imam Askari and Imam Mahdi in the Cohesion of Twelver Shia¹

Majid Ahmadi Kachaei

Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

Email: Ahmadi.M@Isca.ac.ir; Orcid: 0000-0002-2705-1866



Abstract

Imam Hasan Askari (A.S.) became the Imam during a period when the political oppression of the Abbasid rulers was so intense that he and his honorable father had to reside in the military camp of the city of Askar. Furthermore, the Abbasid rulers' excessive attention to his household in search of his son led Imam Askari to keep his son's birth a secret. As a result, after his martyrdom and the ensuing difficulties, including the occultation of Imam Mahdi (A.S.), the Shia faced significant divisions at the onset of the Minor Occultation. However, it was important to note that Imam Askari (A.S.) knew very well that protecting his son would ensure the continuation of the Imamate and that the next Imam could reunite the fragmented community. This is exactly what occurred at the end of the Minor Occultation. Therefore, this research, through a library-based and descriptive-analytical method, seeks to answer the question of how Imam Askari, by concealing his son's birth, managed to preserve both the Imamate of Imam Mahdi (A.S.) and the unity of the Shia during the transitional period. The study aims to demonstrate that the Shia, through the concept of Imamate and under the leadership of Imam Mahdi (A.S.), achieved cohesion. Key actions by Imam Askari included not having a

1. Ahmadi Kachaei, M. (2025). The Role of Imam Askari and Imam Mahdi in the Cohesion of Twelver Shia. *Mahdavi Society*, 5(10), 151-174. <https://doi.org/10.22081/JM.2025.71007.1103>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 04/02/2025 • **Revised:** 10/03/2025 • **Accepted:** 10/03/2025 • **Published online:** 08/04/2025

formal marriage, concealing the birth of Imam Mahdi, and circulating news of the deaths of some of his other children. Furthermore, the dynamic nature of the representative system and the issuance of numerous letters (Tawqi'at) during the Minor Occultation were among Imam Mahdi's (A.S.) efforts to ensure the cohesion of the Shia community.

Keywords

Imam Askari (A.S.), Imam Mahdi (A.S.), Twelver Shia in the 3rd century, Cohesion of Twelver Shia in the 3rd century.

نقش امام عسکری و امام مهدی علیهما السلام در انسجام بخشی

به تشیع امامی

مجید احمدی کجایی^۱

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

Ahmadi.M@Isca.ac.ir; Orcid: 0000-0002-2705-1866



چکیده

امام حسن عسکری علیه السلام در دوره‌ای به امامت رسیدند که اختناق سیاسی حاکمان وقت عباسی به اندازه‌ای بود که ایشان و پدر بزرگوارشان مجبور شدند در پادگان شهر عسکر سکنی گزینند. از طرف دیگر توجه فراوان عباسیان به بیت ایشان برای دست یابی به فرزندشان سبب شد تا امام عسکری علیه السلام پنهان کاری زیادی در این باره داشته باشند. در نتیجه پس از شهادت ایشان و وفور مشکلات از جمله غیبت امام مهدی علیه السلام، شیعیان با تفرق فراوانی در ابتدای دوران غیبت صغری مواجهه شوند. اما نکته مهم آن بود که امام عسکری علیه السلام به نیکی می‌دانستند که حفظ فرزند ایشان تداوم امر امامت را در پی خواهد داشت و امام بعدی می‌تواند امت از هم گسیخته را به انسجام برساند. نکته‌ای که در پایان غیبت صغری چنین شد؛ بنابراین پژوهش کنونی به دنبال پاسخ به این سؤال است که با پنهان کاری فراوان امام عسکری علیه السلام در ولادت فرزند خود، چگونه امام یازدهم علیه السلام در دوران میان دو محظور حفظ امام مهدی علیه السلام و حفظ شیعیان توانستند هر دو را در ذیل امامت باقی و هدایت امت در پرتو امامت امام

* **استناد به این مقاله:** احمدی کجایی، مجید. (۱۴۰۳). نقش امام عسکری و امام مهدی علیهما السلام در انسجام بخشی به تشیع امامی. جامعه مهدوی، ۴ (۱۰)، صص ۱۵۱-۱۷۴.

<https://Doi.org/10.22081/JM.2025.71007.1103>

□ نوع مقاله: علمی - ترویجی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹

مهدی علیه السلام به سرانجام برسانند. از این رو پژوهش حاضر در پی این هدف است که نشان دهد امامیه در پرتو مفهوم امامت و در یک روند تاریخی و با کارکردهای مشخص امام مهدی علیه السلام، به انسجام دست یافت. این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی به سرانجام رسیده است.

کلیدواژه‌ها

امام عسکری علیه السلام، امام مهدی علیه السلام، امامیه در سده سوم، انسجام امامیه در سده سوم.

مقدمه

امامت به‌عنوان یکی از ارکان اصلی پنج‌گانه مذهب تشیع از جایگاه بسیار مهمی در میان ایشان برخوردار است تا آنجا که اگر از شیعیان کسی باور خود به این مهم را از دست دهد از جرگه تشیع امامی خارج خواهد شد؛ همچنین میزان اهمیت آن را تا اصل مهم نبوت دانسته‌اند و چنین استدلال شده است که همان‌طور که نبوت جایگاهی است که تنها نص الهی باید در ثبوت و اثبات آن تاثیرگذار باشد امامت نیز چنین است و تنها نص و نصب الهی باید در این مهم وجود داشته باشد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۴۱). علت اصلی این امر را در لوازم امامت می‌دانند که امام می‌بایست عصمت و علم غیب داشته باشد و از آنجا که بشر نمی‌تواند تشخیص دهد که کدامیک از همتایان او چنین ویژگی‌های را دارند، تنها راهکار ممکن آن است که در پوشش وحی به بشر اطلاع داده شود. در این میان مهمترین وظیفه امام به‌عنوان مصداق خارجی امامت، هدایت بشر به سوی باری تعالی است و هدایت نوع بشر اساس فلسفه پیدایش و زیست انسان در عالم ماده است (طوسی، ۱۴۰۵، ج ۱، صص ۴۲۹-۴۳۰)؛ از این رو امامت در مفهوم شیعی آن، تداوم نبوت نبی خاتم صلی الله علیه و آله است و هدایت الهی و عدالت اجتماعی، از وظایف عمده اوست (سیدمرتضی، ۱۴۱۱، ج ۱، صص ۴۰۹-۴۱۰)؛ بر این اساس باور شیعیان امامی امام حسن عسکری علیه السلام از جمله ائمه اثنا عشر شیعیان در تاریخ اسلام است که وظیفه هدایت الهی از لوازم امامت ایشان همچون پدران گرامش بوده است؛ بنابراین سئوالات اساسی این پژوهش آن است که امام در دوران امر میان حفظ فرزند خود و هدایت شیعیان چگونه و چرا یکی را بر دیگری ترجیح دادند؟ و چگونه امام مهدی علیه السلام در راستای امامت توانست، انسجام را در میان شیعیان حفظ کند؟

فرضیه این پژوهش آن است که امام عسکری علیه السلام در دوره‌ای به امامت رسیدند که حکومت عباسیان براساس گزارش‌های قابل توجهی به دنبال فرزند ایشان بودند و امام برای حفظ جان فرزند دست به اقداماتی زدند که تا پیش از ایشان در میان ائمه علیهم السلام شیعه

سابقه نداشته است. از این رو در این روش که گویا امام چاره‌ای غیر از این هم نداشتند سبب شد تا وجود فرزند بزرگوار ایشان به‌عنوان امام بعدی در میان عده‌ای قابل توجهی از شیعیان در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد و همین امر یکی از عواملی بود تفرق شیعیان امامی را در نخستین سال‌های غیبت با کثرت قابل توجهی مواجه ساخت. گرچه افتراق در میان پیروان امامان پس از درگذشت ایشان سابقه داشته است (حسن بن موسی نوبختی، ۱۳۹۵ق)، اما تعدد پرشمار فرق شیعی پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به اندازه‌ای بود که در هیچ دورانی تا این میزان وجود نداشته است (حسن بن موسی نوبختی، ۱۳۹۵ق، ص ۹۷).

این نکته مهم را باید توجه داشت که در دوران حضور امامان شیعه، با شهادت هر امامی، امام دیگر در قید حیات بود و می‌توانست هدایت الهی را بر عهده گیرد، حال آنکه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام و در صورت هر اتفاقی ناگوار برای امام مهدی علیه السلام، به جهت آنکه پس از ایشان امامی برای هدایت نبود، امامت و پیامد آن، امت دچار رخوت و نابودی می‌شد. شاید به همین جهت بود که در روایات پرشماری به این مهم توجه داده شد که در صورت عدم وجود امام در پهنه گیتی، زمین اهلش را نابود خواهد ساخت و این مهم به معنای نابودی هدایت الی الله تلقی می‌شود که فلسفه آفرینش مبتنی بر آن بوده است (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۳۷).^۱

همچنین روایات بالا را باید کنار روایاتی دیگر قرار داد که از جمله دلایل غیبت امام ثانی عشر علیه السلام را خوف از قتل بیان کرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۲۹).^۲ حال آن که خوف من القتل، تقریباً در همه دوران‌ها و برای همه امامان بوده است، اما تمایز آشکار آن در این دوره تاریخ به دو جهت بوده است؛ نخست آنکه هیچ‌کدام از امامان شیعه در کودکی احتمال کشته شدن ایشان به این اندازه پررنگ نبوده است طوری که حتی پیش از تولد امام مهدی علیه السلام حکومت به دنبال دست‌یابی به آن حضرت بوده است (حرعاملی،

۱. لو بقیة الأرض بغير إمام لساخت.

۲. این روایات آن میزان مهم بوده است که شیخ طوسی علت اساسی خوف من القتل می‌داند.

۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۹۷).^۱ و از طرف دیگر امام مهدی علیه السلام دیگر جانشینی نداشتند و هر اتفاقی برای ایشان، سلسله امامت را به نابودی می کشاند و هدایت بشر نیز اضمحلال می یافت. از این رو چاره‌ای غیر از آن نبود که امام عسکری علیه السلام رفتار محتطانه زیادی درباره تنها امام علیه السلام موجود داشته باشد.

بدین جهت امام عسکری علیه السلام به نیکی می دانستند که حفظ فرزند شریف ایشان که دارای ملکه امامت است می تواند شیعیان از هم پاشیده را به دور خود جمع کند. امری که در پایان غیبت صغری افزون بر منابع هم سو، حتی منابع دیگر هم بدان تصریح داشتند و این مهم در پرتو امامت امام مهدی در هدایت پیروان حاصل شد (مسعودی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۱۲).^۲

بر این اساس چنین فهمیده می شود که وجود غیبت صغری نیز به دلیل رفع شبهات و ایجاد انسجام در میان شیعیان بوده است که تنها در ذیل راهبری امامت صورت می گرفت. چنانکه اگر امام مهدی علیه السلام از همان روزهای نخستین، وارد غیبت کبری می شدند بدون شک شیعیان ایشان یا به طور کامل از میان می رفتند یا آن که یکی از فرق کم رونق در میان فرق‌های ناشناخته در تاریخ باقی می ماندند. از این رو امام عسکری علیه السلام هوشمندانه نگره‌داری از امامت (امام مهدی علیه السلام) را به عنوان رکن اصلی مذهب تشیع در اولویت کار خود قرار دادند و با حفظ امامت، طبیعی بود که هدایت شیعیان نیز به طور حساب گرایانه انجام می گرفت.

۱. حدثنا عبد الله بن الحسين بن سعد الكاتب قال: قال أبو محمد عليه السلام: قد وضع بنو أمية و بنو العباس سيوفهم علينا لعنتين: إحداهما أنهم كانوا يعلمون أنه ليس لهم في الخلافة حق فيخافون من ادعائنا إياها و تستقر في مراكزها و ثانيهما أنهم قد وقفوا من الأخبار المتواترة على أن زوال ملك الجبارة و الظلمة على يد القائم منا و كانوا لا يشكون أنهم من الجبارة و الظلمة، فسعوا في قتل أهل بيت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و إبرة نسله طمعا منهم في الوصول إلى منع تولد القائم عليه السلام أو قتله، فأبى الله أن يكشف أمره لو احد منهم إلا أن يتم نوره و لو كره الكافرون.

۲. برای نمونه مسعودی چنین اشاره کرده است: و هو ابوالمهدى المنتظر و الامام الثانى عشر عند القطعية من الامامية و هم جمهور الشيعة و قد تنازع هؤلاء في المنتظر من آل النبي بعد وفاة الحسن بن علي و افرقوا علي عشرين فرقة. با توجه به سال تدوین کتاب مروج الذهب در سال ۳۳۲ق، این گزارش از ارزش خاصی برخوردار است.

در این باره تاکنون اثر مستقلی به عملکرد امام توجه نداشته و آثار نگاشته شده بیشتر به زندگی امام عسکری علیه السلام پرداخته است، با این حال آثاری به زندگی امام عسکری علیه السلام توجه کرده‌اند که می‌توان به این موارد اشاره داشت: «زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام»، باقر شریف قرشی، «مدخل حسن عسکری علیه السلام»، نگارش توسط احمد پاکتچی، همچنین همایشی با عنوان «زندگی امام عسکری علیه السلام» چند سال پیش از این برگزار شده است. با این حال روایات و گزارش‌های فراوانی در منابع نخستین در این زمینه وارد شده است که نیاز به بررسی‌های موشکافانه بیشتری دارد. از نگارنده این پژوهش نیز مقالاتی درباره امام عسکری علیه السلام به چاپ رسیده است.

در ادامه، نخست به تفرق امامیه اشاره و سپس به رفتار امام عسکری علیه السلام در حفظ جان امام مهدی علیه السلام توجه می‌شود و در پایان نشان داده خواهد شد که امام عصر علیه السلام چگونه توانست شیعیان از هم پاشیده شده در ابتدای غیبت صغری را در سرانجام آن دوران به اتحاد نسبی برساند.

۱. زیست‌نامه امام عسکری علیه السلام

پدر آن حضرت، امام علی بن محمد علیه السلام ملقب به هادی و نقی، امام دهم شیعیان بود که پس از وفات پدر به جانشینی او رسید. درباره مادر حضرت، سخن مشهور در منابع امامی آن است که وی کنیزی با نام حُدیث بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۰۳). به اتفاق منابع معتبر، حضرت در مدینه تولد یافت (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۱۳). امام عسکری علیه السلام در خردسالی به همراه پدرش به عراق فراخوانده شد و در سامرا، پایتخت آن روز عباسیان، تحت الحفظ قرار گرفت (نوبختی، ۱۳۹۵ق، ص ۹۲). آن حضرت در سال ۲۶۰ق به شهادت رسیدند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۸۵).

۲. تفرق شیعیان امامیه در دوران آغازین غیبت

در آغاز غیبت امام مهدی علیه السلام مشکلاتی بسیاری به وجود آمد که سبب پیدایش تحیر در میان شیعیان امامی شد. برخی از زمینه‌های این دست از بحران‌ها پیش از آغاز غیبت

امام دوازدهم علیه السلام به وجود آمده بود تا شیعیان امامیه دچار حیرت و سرانجام تفرق در ابتدای غیبت شوند، پیش از این امام عسکری علیه السلام، اختلافات پس از خود را پیش بینی کردند و تأکید داشتند که پیروانش پس از شهادت ایشان دچار تحیر خواهند شد (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲ ص ۴۰۸).^۱ آغاز این انحراف توسط برخی از اصحاب صورت گرفت. گفته شده برخی از پیروان امام یازدهم علیه السلام پس از شهادت ایشان دچار تحیر شدند و برخی از طالبین حاضر در مدینه باور خویش به فرزند امام عسکری علیه السلام را از دست دادند و از آنجا که بیان نشده به گروه خاصی تمایل پیدا کرده باشند می توان گمان برد آنها نیز متوقف بر امام یازدهم علیه السلام باقی ماندند، این سرگشتگی آن اندازه گسترده بوده است که حتی برخی از سرشناسان امامیه نیز دچار تحیر شدند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۵۱۸) و بعضی از ایشان به قرامطه پیوستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۵۲۰). پرسش برخی از بزرگان امامیه، درباره فرزند امام یازدهم علیه السلام از عثمان بن سعید که وکیل رسمی امام بود در همین فضای تحیر صورت گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲۹). همه این موارد گواه آن است که با شهادت امام عسکری علیه السلام امامیه با تحیر زیادی روبرو شد و برای رفع آن امام مهدی علیه السلام دست به فعالیت های گسترده ای زد که براساس برخی از نقل های نخستین بسیاری از متحیران پس از مدتی به باورهای امامیه روی آوردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲۱). تحیر به خصوص در تولد یا عدم تولد امام مهدی علیه السلام بیش از دیگر موارد خود را نشان داد به طوری که برخی از امامیه در تردید بودند که امامی از ایشان از نسل امام عسکری علیه السلام به دنیا آمده است یا خیر؟ این گمانه زنی به این جهت بوده که تولد و زیست امام دوازدهم علیه السلام پنهانی بوده و رحلت زود هنگام امام عسکری علیه السلام و غیبت بسیار سریع امام مهدی علیه السلام شدت این دست از گمانه زنی ها را افزود و سبب بزرگتر شدن بحران تحیر در آن دوره تاریخی شد، گرچه دستیاران امام عسکری علیه السلام و برخی از

۱. سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيِّ عليه السلام يَقُولُ فِي سَنَةِ مِائَتَيْنِ وَ سِتِّينَ تَفَرَّقَ شِيعَتِي فَبَيْنَهَا قَبِيضُ أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ تَفَرَّقَتِ الشَّيْعَةُ وَ أَنْصَارُهُ فَمِنْهُمْ مَنْ اتَّخَذَ إِلَيَّ جَعْفَرًا وَ مِنْهُمْ مَنْ نَاهَا وَ مِنْهُمْ مَنْ سَلَّكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ وَقَفَ عَلَيَّ تَحِيْرُهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ نَبَتَ عَلَيَّ دِينَهُ بِتَوْفِيقِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

عالمان امامیه بر این امر شاهد بوده و خود از مروجان آن امام علیه السلام شدند (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۳۴).

به طور خلاصه نگاهی به فرقه نگاران شیعه و سنی این مهم را که شیعیان امامی تا چه میزان دچار تفرق شدند را واگویی می کند. مهمترین فرقه های شیعیان پس از شهادت امام عسکری علیه السلام موارد مذکور بوده است. با این حال اختلاف های دیگری نیز در میان فرقه نگاران وجود دارد که تفاوت چندانی با موارد بالا در آن دیده نمی شود، در این میان اشعری در المقالات الفرق اندکی بیش از نوبختی ذکر کرده است (اشعری، ۱۳۶۰، صص ۲۰-۲۶).^۱ مفید (۴۱۳ق) طبق تصریح خویش، از نوبختی تأثر پذیرفته است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۱۹). همچنین مسعودی در مروج الذهب به بیست فرقه اشاره دارد اما از هیچ یک از آنها یاد نکرده است. وی به کتاب های دیگرش حواله داده و چنین نقل نموده: «که شرح این دسته از فرقه ها را در کتاب های سر الحیات و المقالات فی اصول الدیانات آورده است» (مسعودی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۱۲). کتاب های مذکور نیز امروزه مفقود است. شهرستانی در کتاب خویش، بیش از نوبختی و اشعری اشاره ای ندارد و تنها تفاوت بسیار اندکی با این دسته از فرقه نگارها داشته است (شهرستانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۲). از جمله تفاوت هایش با نوبختی در این است که وی تعداد فرقه های منشعب از امام عسکری علیه السلام را دوازده عدد می داند، در صورتی که نوبختی این عدد را چهارده فرقه دانسته است (شهرستانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۰). در نتیجه می توان به این مهم اشاره داشت که تردیدی در تفرق امامیه در دوره آغازین غیبت صغری وجود ندارد و بیشتر این تفرق به جهت پنهان کاری در دوران امام حسن عسکری علیه السلام بوده است که سرانجام به غیبت امام مهدی علیه السلام منجر شده است و این مهم شایسته بیان است که غیبت امام علیه السلام به عنوان مهمترین علت تفرق بوده است چرا که امامیه تا این زمان با چنین پدیده ای مواجه نبوده است؛ بنابراین طبیعی بود پیامد غیبت امام علیه السلام تفرق امامیه شود.

۱. باید توجه داشت که بنابه نظر محمد جواد مشکور کتاب المقالات و الفرق اشعری اضافات کلی بر فرق الشیعه نوبختی دارد و کتاب منسوب به نوبختی اضافاتی جزئی نسبت به کتاب اشعری دارد.

۳. رفتار امام عسکری علیه السلام در حفظ امامت امام مهدی علیه السلام

امام یازدهم علیه السلام برای حفظ فرزند خود دست به اقداماتی زد که بدون تردید در دوران هیچ کدام از امامان دیگر به این شکل نبوده است و امام نیز چاره‌ای دیگر نداشتند چرا که همان‌طور که بیان شد گزارش‌های قابل توجهی در دست است که عباسیان به دنبال فرزند ایشان بودند و حتی پس از شهادت امام عسکری علیه السلام نیز تا مدت‌ها این امر را پی جویی می‌کردند؛ بنابراین امام چاره‌ای غیر از پنهان کاری در این زمینه نداشتند در ادامه به برخی از مهمترین این موارد اشاره می‌گردد (رک: احمدی کجایی، ۱۴۰۱).

یکی از مهمترین اقدامات امام یازدهم علیه السلام عدم ازدواج رسمی آن حضرت است. منابع هیچ‌گاه از ازدواج رسمی آن امام سخنی به میان نیاورده‌اند؛ همچنین تاریخ نقل‌های متفاوتی درباره نام و نسب مادر امام مهدی علیه السلام داشته است و تنها فرزند ایشان را تولد یافته توسط کنیزی می‌داند. صدوق (۳۸۱ق) - محدث پر آوازه امامیه - پیرامون مادر امام مهدی علیه السلام، به نام‌های گوناگونی اشاره کرد (همان)، در عین حال تأکید زیادتری بر نام نرجس داشت (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۱۷). پس از وی مفید نام مادر ایشان را نرجس دانسته است (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۳۹). طوسی (۴۶۰ق)، نام مادر حضرت را نرجس، سوسن، صیقل و ریحانه دانسته است (همان، ص ۳۹۳). گویا امام یازدهم علیه السلام برای در امان ماندن فرزند از گزند دشمنان علاوه بر آنکه ازدواج رسمی نداشت، هویت کنیزان خود را نیز آشکار نکرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۰۵؛ مجلسی، ۱۳۹۵ق، ج ۵۰، ص ۳۲۹).

پنهان داشتن تولد امام مهدی علیه السلام یکی دیگر از رفتارهای امام عسکری علیه السلام در این دوران بوده است. برابر بسیاری از گزارش‌ها، امام عسکری علیه السلام به یاران خود که از تولد امام ثانی عشر آگاهی داشتند دستور می‌داد که ولادت ایشان را آشکار نکنند و این مسئله را از مردم پویشاند. در خبری از احمد بن اسحاق اشعری قمی (۲۶۳ق) - از وکلای سرشناس امام عسکری - چنین آمده است که امام عسکری علیه السلام در توقیعی، وی را از تولد فرزندش آگاه کرد و در ادامه دستور دادند که این خبر برای کسی بازگو

نشود (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۳۴).^۱ در نقل دیگر امام عسکری علیه السلام همین دستور را به یکی دیگر از اصحاب خود داده و تأکید داشته که نباید تولد فرزندش آشکار شود (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۳۲).^۲

با توجه به برخی از نقل‌ها، بعضی از اعضای شناخته شده بیت امام عسکری علیه السلام به درستی در جریان تولد امام مهدی علیه السلام نبوده‌اند، به طوری که نقل شده حکیمه، عمه امام عسکری علیه السلام، از آستن بودن همسر ایشان بی‌خبر بوده و تنها در شب ولادت امام مهدی علیه السلام در جریان این خبر قرار گرفت (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۳۴). براساس این شواهد امکان نداشت که امام برادر خود جعفر را از این امر آگاه کند؛ بنابراین چه بسا گمانه زنی‌های جعفر درباره عدم وجود فرزند برادر خود-امام عسکری- حکایت از بی‌خبری وی از این ماجرا باشد. جعفر که پیش از این با امام و حتی با پدرش اختلافات اساسی داشت (خصیعی، ۱۴۱۹، صص ۳۸۱-۳۸۲) و پس از شهادت امام عسکری علیه السلام دائماً بیان می‌داشت که برادرش فرزندی نداشته و او میراث‌بر امام است (کشی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۵۲۲). این اخبار به خوبی نشان می‌دهد که امام در این امر به‌طور کامل محتاطانه رفتار می‌کرده است، طوری که برخی از اعضای بیت ایشان نیز از این خبر بی‌اطلاع بوده‌اند و این امری بوده که امام یازدهم علیه السلام سعی وافری داشته تا روند به همین شکل انجام پذیرد.

همچنین در راستای همین سیاست بود که امام عسکری علیه السلام خبر درگذشت برخی از فرزندان را منتشر می‌کرد. گزارش‌های در دست است که پیش از تولد امام مهدی علیه السلام فرزندان برای امام یازدهم علیه السلام به دنیا آمدند، اما همگی اندک زمانی پس از تولد درگذشتند، برای نمونه مسعودی از ابراهیم بن ادریس روایت کرده که گفت: امام عسکری علیه السلام دو رأس قوچ نزد من فرستاد و فرمود: اینها را برای فلان پسر من عقیقه کن،

۱. *وُلِدَ الْخَلْفُ الصَّالِحُ علیه السلام وَرَدَ عَنْ مَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (إِلَى جَدِّي أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ كِتَابٌ فَإِذَا فِيهِ مَكْتُوبٌ بِحَطِّ يَدِهِ (الَّذِي كَانَ تَرِدُ بِهِ التَّوْفِيعَاتُ عَلَيْهِ وَفِيهِ وُلِدْنَا مَوْلُودٌ فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ مَشْتُوراً وَ عَنْ جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُوماً.*

۲. *حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْمُنْذِرِ عَنْ حَفْصَةَ بِنِ أَبِي الْفَتْحِ قَالَ: جَاءَنِي يَوْمًا فَقَالَ لِي الْبَشَارَةُ وُلِدَ الْبَارِحَةَ فِي الدَّارِ مَوْلُودٌ لِأَبِي مُحَمَّدٍ علیه السلام وَ أَمَرَ بِكَيْفَمَانِيهِ.*

خود و خانواده ات از آن گوشت بخورید! من امر آن حضرت را اجرا کردم. پس از آنکه آن بزرگوار را دیدم، به من فرمود: آن نوزادی که متولد شد از دنیا رفت (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۴۵) این نقل‌ها گواه آن است که امام با انتشار خبر درگذشت فرزندان خود، اذهان عباسیان را به خود مشغول می‌کرده است (رک: احمدی کجایی، ۱۴۰۱).

یکی از مهمترین رفتارهای امام حسن عسکری علیه السلام در آستانه شهادت، دور نگه داشتن امام مهدی علیه السلام از جغرافیای سامرا بود. این خبرها حاکی از آن است که حوالي سال ۲۶۰ق امام عسکری علیه السلام به دلایلی درگذشت خویش را نزدیک می‌دید (رک: قندوزی حنفی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۳۱)^۱ و بر این اساس برابر برخی از گزارش‌های نخستین، تنها فرزندش را از سامرا به مدینه انتقال داد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۰؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۶۸). گزارش دیگری تأکید داشت که مادر امام عسکری علیه السلام با سفارش ایشان امام ثانی عشر علیه السلام را در سال ۲۵۹ق به مراسم حج برد (مسعودی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۵۶). از طرف دیگر حکیمه نقل کرده و دایع امامت را امام یازدهم در اواخر عمر شریفشان به مادرش سپرد (رک: صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۰۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۳۰). علاوه بر این موارد نقل شده غسل و کفن امام عسکری علیه السلام توسط وکیل ایشان عثمان بن سعید (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۵۶) و یا به دستور معتمد خلیفه عباسی، ابو عیسی پسر خلیفه سابق - متوکل - بر پیکر امام نماز گزارد (نویختی، ۱۳۹۵ق، ص ۹۶؛ اشعری ۱۳۶۰، ص ۱۰۲)؛ همچنین گزارش‌های در دست است که اندکی قبل از رحلت امام یازدهم علیه السلام از منطقه حضور حجت پس از ایشان پرسیده شد و آن حضرت به مدینه اشاره داشتند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲۸). مجموع این گزارش‌ها تأکید دارند که امام مهدی علیه السلام به هنگام شهادت پدر در سامرا حضور نداشتند و به احتمال زیاد در مدینه یا مکه بوده است. نکته باقی مانده آن است که برخی از منابع به درگیری جعفر - برادر امام یازدهم - با مادر امام عسکری علیه السلام پس از رحلت ایشان

۱. این احتمال را نباید نادیده انگاشت که امام عسکری علیه السلام مسموم شده بود و از آن جایی که شهادت خود را حتمی می‌دانست دست به تدبیر حفظ امام مهدی زد و فرزندش را از منطقه آسیب دور کرد. گرچه در شهادت یا رحلت آن امام گمانه زنی‌های فراوانی وجود دارد اما برخی از منابع سنی نیز به توطئه خلاف عباسی در این زمینه اشاره داشته‌اند.

پرداخته‌اند. این منازعه به سبب میراث امام عسکری صورت گرفت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۰). در خبرها چنین نقل شده که مادر امام عسکری علیه السلام پس از مدتی برای احیای حق خود به سامرا برگشت و علیه جعفر اقامه دعوا کرد این نکته از آنجا در تحلیل مهم است که احتمالاً در زمان درگذشت امام یازدهم، فرزندش امام مهدی علیه السلام با مادر بزرگ خود در مدینه حضور داشتند.

۴. رفتار امام مهدی علیه السلام در انسجام امامیه

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، امام مهدی علیه السلام با طرح ریزی پیوسته مانع از تلاطم بیشتر طرفدارانش، در این دوران محنت بار شد. این مهم همان است که نظریه این پژوهش بدان استوار است، به این شکل که امام عسکری علیه السلام به درستی می‌دانست حفظ فرزند ایشان به تداوم امر امامت منجر خواهد شد و امام توانایی لازم برای انسجام پیروان خود را خواهد داشت در صورتی که اگر این اصل مهم مورد خدشه قرار می‌گرفت امت توانایی آن را نداشتند که خود بدون امام حیات و بقا داشته باشند. در این صورت فرزند ایشان می‌توانست مشکلات حاصل از پنهان‌کاری اجباری پدر در دوران حضور را مرتفع سازد؛ از این رو امام مهدی علیه السلام اقداماتی را انجام داد که در ادامه بدان اشاره می‌کنیم و به این نکته توجه داده می‌شود که این دست از رفتارهای امام نیز سبب انسجام امامیه در معرض سقوط در دوران غیبت صغری شد. در ادامه به برخی از رفتارهای امام مهدی علیه السلام جهت انسجام امامیه در غیبت صغری اشاره می‌شود.

یکی از مهمترین این موارد انتخاب و کیلان بوده است. براساس توقعات برجای مانده، معرفی و کلا تنها به وسیله امام صورت می‌گرفت به طوری که می‌توان گفت تمامی وکلای اصلی و فرعی تنها توسط امام انتخاب می‌شده است. پیرامون عثمان بن سعید امام مهدی علیه السلام، بر وکالت وی تأکید داشتند (صدوق، ۱۳۹۵ق؛ ج ۲، ص ۴۳۲؛ کشی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۸۱۳؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۷). طبرسی نیز به وکالت وی در دوران امام هادی علیه السلام نیز اشاره داشته است (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۵۹). پس از وفات وی، امام علیه السلام پسرش محمد را

جانشین پدر قرار داد (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۶۱).^۱ و کالت پسرش نیز با دو روایت از امام عسکری علیه السلام و یک توقیع از امام مهدی علیه السلام مورد تأیید قرار گرفت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۰).^۲ توقیع دیگری نیز از امام مهدی علیه السلام نقل شده است که حضرت ضمن تسلیت به محمدبن عثمان، وی را وکیل و جانشین پدرش دانسته است (ر. ک: صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۱۰).^۳ درباره آغاز و کالت حسین بن روح، گزارش های فراوانی وجود دارد که پیوسته مورد توجه محمدبن عثمان قرار داشت به طوری که وی تأکید داشت انتصاب ابن روح تنها به دستور امام مهدی علیه السلام انجام گرفته است (ر. ک: صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، صص ۳۶۸-۳۷۰). توقیعات دیگری در دست است که از ایشان با عظمت یاد شده است. درباره علی بن محمد - وکیل چهارم - منابع تأکید دارند که ایشان نیز به دستور امام مهدی علیه السلام، توسط ابن روح به وکالت رسید (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۳۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۹۳). امام مهدی علیه السلام برخی دیگر از وکلا از جمله: محمدبن ابراهیم بن مهزیار (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۱۸؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۸۱)،^۴ حاجز بن یزید و شاء (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۲۱؛ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۹۹)، محمد بن صالح همدانی (طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۴۵)، محمد بن جعفر اسدی (طوسی، الغیبه، صص ۴۱۵-۴۱۶)،^۵ قاسم بن علا آذربایجانی و پسرش حسن قاسم (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۶۷۵)، برای این مقام انتخاب کرده بود.

۱. حَرَجَ التَّوْقِيعُ إِلَى الشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدِ الْعُمَرِيِّ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ فِي التَّعْرِيزَةِ بِأَبِيهِ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ وَ فِي فَضْلِ مِنَ الْكِتَابِ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ وَ رَضِيَ بِقَضَائِهِ عَاشَ أَبُوكَ سَعِيدًا وَ مَاتَ حَمِيدًا فَرَحِمَهُ اللَّهُ وَ أَلْحَقَهُ بِأَوْلِيَائِهِ وَ مَوَالِيهِ فَلَمْ يَزَلْ مُجْتَهِدًا فِي أَفْرِهِمْ سَاعِيًا فِيمَا يَقْرُبُهُ إِلَيْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِلَيْهِمْ نَصَرَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَ أَقَالَهُ عَثْرَتَهُ.

۲. کلینی درباره وی روایتی از امام عسکری علیه السلام نقل می کند گرچه در این روایت به کلمه وکالت اشاره نداشته در عین حال توصیف وی با این شرایط می توانسته ناظر به وکالت محمد و پدرش باشد: الْعُمَرِيُّ وَ ابْنُهُ نِقَاتَانِ فَمَا أَدْبَا إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يَوْمَ دِيَانَ وَ مَا قَالَا لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ فَاسْمَعْ لَهُمَا وَ أَطِعْهُمَا فَإِنَّهُمَا التَّقَاتَانِ الْمَأْمُونَانِ.

۳. در توقیع منتسب به امام مهدی علیه السلام، امام وی را به جانیشینی پدر منسوب کرد.

۴. قَدْ أَقْمَنَّاكَ مَقَامَ أَبِيكَ فَاحْمَدِ اللَّهَ.

۵. سَأَلَنِي بَعْضُ النَّاسِ فِي سَنَةِ تِسْعِينَ وَ مِائَتَيْنِ قَبِضَ سَيِّءٌ فَأَمْتَعْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ كَتَبْتُ أَشْتَطِيعُ الرَّأْيَ فَأَتَانِي الْجَوَابُ بِالرَّيِّ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْعَرَبِيِّ فَلْيَدْفَعْ إِلَيْهِ فَإِنَّهُ مِنْ ثِقَاتِنَا. نکته قابل توجه آن است که کلینی در سلسله روایان آن قرار گرفته اما خود در کافی این روایت را ذکر کرده است.

از مشکلات مهم ديگر در بازه زماني غيبت صغرى امام مهدي عليه السلام برخي از اين افراد ادعاهاي ناهمگوني طرح کردند و سبب درهم ريختگي فکري عده‌اي از شيعیان شدند، مشهورترين اين افراد شریعی، هلالی، نمیری، حلاج و شلمغاني بوده‌اند. بخشي از توقيح‌ها به اين زياده خواهي‌ها اشاره داشت و با نفي گمانه‌هاي ایشان، شيعیان را از نزديک شدن به اين افراد بر حذر داشته است؛ برای نمونه نامه‌اي از امام مهدي عليه السلام، خطاب به حسين بن روح (م ۳۲۶ق) - وکیل سوم - همه اين دست از مدعیان و منحرفان از امامت را، خارج شدگان از دين دانست و عذاب اليم الهي را برای ایشان خواستار شد (صدوق، ۱۳۹۵ق، ص ۴۱۰).

از ديگر جريانات اثرگذار در غيبت صغرى ادعای امامت جعفر عموي امام مهدي عليه السلام در ابتدای غيبت صغرى بوده است. گزارش‌ها قابل اطمیناني در دست که وی مدت‌ها پيش از رحلت برادر تدارک چنین ایامي را می‌دید و توانست عده‌اي از جمله برخي از اندیشمندان فطحي مذهب همچون ابن فضال را جذب کند. امام دوازدهم عليه السلام در دو نامه - توقيح - شخص جعفر و طرفداران او را مورد نکوهش قرار داد (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۱۱)، در گزارش ديگري اصحاب به امام مهدي عليه السلام اطلاع دادند که جعفر خود را امام معرفي کرده و قيم امام عسکری عليه السلام دانسته است، امام عليه السلام در جواب اين دسته از شيعیان، پس از مقدمه‌اي در علت بعثت انبيا و اوليا الهي، جعفر را کسي دانست که به خدا دروغ بسته و برای دست يابي به برخي از نيروهاي فرا بشري، واجبات خود را ترک کرده است، همچنین جعفر را ظالم دانست و به اصحاب گوشزد کرد که وی از بسياری از علموي که مرتبط با امامت می‌باشد بي‌خير است و اين بي‌اطلاعي با سئوالات از وی برای شما آشکار خواهد شد (طوسي، ۱۴۱۱ق، ص ۲۸۹).

جريان غلوي یکی از ديگر از جريان‌هاي بود که در اين دوره در ميان برخي از شيعیان نمايان شد. با آشکار شدن دوباره گرايش‌هاي غالبانه در اين زمان، امام مهدي عليه السلام در ابتدا به تبیین معارف اسلام پرداخته و به رد انگاره‌هاي گزافه گويانه پيرامون اوليا الهي همت گماشتند؛ امام در بيان رد پندارهاي غالبان با توصيف خداوند سبحان به‌عنوان ملجا

همه مخلوقات، موجودی را قابل مقایسه با ذات ربوبی ندانست و خداوند را منزله از وصف دانست، امام خود و پدراننش و همه انبیا را تنها بندگان خدا معرفی کرد و گمانه‌های غالیانه را تنها سبب آزار خود دانسته که شیعیان نادان بدان استناد کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۷۳).

از دیگر راهکارهای امام مهدی علیه السلام برای انسجام امامیه در این دوران، فرمان استفاد از تقیه برای شیعیان امامی بود. پنهان‌کاری پیرامون امام را می‌توان پیش از تولد حضرت و در میان روایات پی‌جویی کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۳). بر همین اساس هیچ گزارشی مبنی بر وجود همسر و فرزندان برای امام مهدی علیه السلام در غیبت صغری وجود ندارد و حتی گزارش قابل اعتنایی پس از آن نیز یافت نمی‌شود. این امر می‌توانسته در راستای عدم وجود اثری از ایشان باشد. پی‌جویی تقیه در آن دوره تا بدانجا بود که امام مهدی علیه السلام بردن نام خویش را در مجامع عمومی به شدت تقیح کرد (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۸۲). ادامه همین سیاست بود که وکلا کنجکاو شیعیان برای دانستن نام امام را بر اساس دستور خود امام مهدی علیه السلام حرام اعلان کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۰؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۴۴). و بر اساس برنامه کلی امام مهدی علیه السلام، از تقیه در موارد متعدد و حتی امور عادی خود بهره می‌بردند، در این راستا شغل هیچ کدام از وکیلان چهارگانه چشم‌گیر نبوده است و برخی از ایشان از نام مستعار استفاده می‌کردند (کشی، ۱۳۴۸، ص ۵۳۳). در بسیاری از مواقع توقیعات را از میان می‌بردند (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۹۸) و وکیل سوم - حسین بن روح - باورهای اولیه امامی خود را نیز تقیه می‌کرده است. به طوری که شیخ طوسی با نقل سه گزارش، شدت عمل وی را در این راستا بیان کرده است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۸۴). در برخی از گزارش‌های دیگر امام مهدی علیه السلام در برخی از زمان‌ها دستور دادند تا وجوهات از شیعیان دریافت نشود، بر اساس شرایط پیش آمده تقیه در مصدر کار امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت صغری قرار گرفت و همان‌طور که بیان شد بر پایه برخی از گزارش‌های نخستین، عباسیان در دوره معتضد ۲۷۹-۲۸۹ق توانستند، مکان اختفای امام را کشف کنند، این گزارش شدت پی‌جویی عباسیان را

نشان می‌دهد، بر همین اساس امام با توصیه شدید، ارتباط اندک خود را با وکلا برای مدتی نامعلوم قطع کرد (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۳۶؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۴۸).^۱

این دسته از رفتارهای امام مهدی علیه السلام در غیبت صغری سبب شد تا انسجام امامیه که با آغاز غیبت صغری در آستانه فروپاشی بود به انسجام تبدیل شود و این امری بود که مورخان نامدار آن دوره از جمله مسعودی بدان اشاره داشتند و تأکید داشتند که جمهور امامیه به رغم اختلاف فراوان در آغاز غیبت صغری، در اواخر همان دوره به وجود فرزند غایبی از امام عسکری علیه السلام باورمند هستند (مسعودی، ۱۳۷۵ق، ج ۴، ص ۱۱۲)؛ بنابراین دیده می‌شود که چگونه امام مهدی علیه السلام در غیبت صغری در انسجام امامیه تأثیرگذار بودند.

در ادامه نیز امام مهدی علیه السلام، با طرح ریزی نظام ارجاع به عالمان شیعی، سبب شد تا دوران غیبت کبری انسجام لازم امامیه همچنان برقرار باقی بماند؛ برای نمونه در غیبت صغری برخی از شیعیان از اینکه جامعه امامیه چگونه بدون امام می‌تواند به مسیر خود ادامه دهد، از امام سوالاتی پرسیدند؛ اسحاق بن یعقوب، نامه‌ای برای امام مهدی علیه السلام می‌نویسد که گویا ناظر بر زمانی است که دسترسی به امام امکان‌ناپذیر خواهد بود، امام در جواب وی چنین بیان داشتند که در رخدادها و پیشامدها به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدایم... (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۴۸۵، ح ۴؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۹۱، ح ۲۴۷).^۲

برخی از اندیشمندان در شرح این تویح منظور از «حوادث واقعه» را تنها احکام شرعیه ندانسته، بلکه احکام را از بدیهیات مذهب امامیه می‌دانستند، چنانکه روایات دیگر تأکید داشتند که می‌بایست شیعیان در ارتباط با احکام به عالمان رجوع کنند، طوری که در زمان ائمه علیهم السلام هم به عالمان رجوع می‌کردند؛ از این رو چنین تحلیل کردند که کسانی که در غیبت صغری حضور داشتند به خوبی به این موضوع توجه داشته که

۱. برای اطلاعات تفصیلی رک: واکاوی عملکرد امام مهدی علیه السلام در مانایی مذهب تشیع در دوران غیبت صغری، مشرق موعود سال پانزدهم پاییز ۱۴۰۰ شماره ۵۹.

۲. أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَوَاقِعُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.

در فراگرفتن مسائل به چه اشخاصی باید رجوع کرد؛ بنابراین مراد از «حوادث واقعه» پیشامدهای اجتماعی بوده که برای مردم و مسلمانان روی می‌داده است و به‌طور کلی سؤال کردند اکنون که دست ما به شما نمی‌رسد، در پیشامدهای اجتماعی باید چه کنیم؟ یا حوادثی را ذکر کرده و پرسیده در این حوادث به چه کسی رجوع کنیم و حضرت برابر سؤال این شخص، جواب فرموده‌اند که در رخدادها و مشکلات به راویان احادیث، یعنی فقها، مراجعه کنید. آنها حجت من بر شما می‌باشند و من حجت خدا بر شمایم (امام خمینی، ۱۳۹۵، ج ۲۱، ص ۸۳-۸۸).

بعدها و با پایان غیبت صغری، رجوع به عالمان در همه زمینه‌ها روشی مرسوم در میان شیعیان امامیه بوده است تا جایی که با توجه به این توفیق و روایات از این دست فقهای شیعه تصرف در اموال و حتی تشکیل حکومت را از لوازم نیابت عام ایشان در دوران غیبت کبری دانستند و این امر را بدیهی دانستند که کلیه احکام تشریحی اسلام باید در همه دوره‌ها از جمله در دوران غیبت کبری اجرا شود و این مهم باید از سوی فقهای شیعه امامی به سرانجام برسد (امام خمینی، ۱۳۹۵، ج ۲۱، ص ۸۳-۸۸).

این روش آن مقدار کارآمد بوده است که سبب شد تا امامیه به‌عنوان تنها مذهب مسلمانان در دوران میانی بین سده‌های چهارم تا دهم هجری همچنان به کثرت پیش برود و کمتر جایی را می‌توان یافت که امامیه سکونت‌گاه خود را پس از مدتی از دست رفته ببیند و این نشان از گسترش امامیه در نقاط گوناگون جهان اسلام است.

نتیجه

در این پژوهش به این پرسش‌ها پاسخ داده شد که چگونه امام عسکری علیه السلام در دوگانه حفظ فرزند و هدایت شیعیان، توانستند افزون بر هدایت شیعیان، حفظ فرزند را به‌عنوان نخستین رفتار خود در صدر قرار دادند. طبیعی بود پیامد این رفتار به همراه غیبت امام مهدی علیه السلام، سبب شود تا شیعیان پس از شهادت امام عسکری علیه السلام دچار حیرت و سردرگمی قابل توجهی شوند، اما رفتار انسجام بخش امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت

صغری سبب شد تا حیرت و چند دستگی امامیان در اواخر غیبت صغری از میان برود، این امر محصول امامت هوشمندانه امام عسکری علیه السلام بود که بقای امت را در تداوم امر امامت دانستند در صورتی که اگر امام مهدی علیه السلام به هر دلیلی از میان می‌رفتند افزون بر آنکه سلسله امامت نیز از هم می‌گسیخت، هدایت الهی نیز با سقوط مواجه می‌شد.

فهرست منابع

- احمدی کچایی، مجید. (۱۴۰۱). بررسی عملکرد امام عسکری درباره امام مهدی عج، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام، سال ۲۳، شماره ۸۹.
- اشعری، سعد بن عبد الله. (۱۳۶۰). المقالات و الفرق (مصحح: محمدجواد مشکور). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- حرعاملی، محمدبن حسن. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشیعة (چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- خصیصی، حسین بن همدان. (۱۴۱۹ق). الهدایة الكبرى. بیروت.
- خمینی. (امام) روح الله. (۱۳۸۵). الطهارة (ج ۳). تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی (امام) روح الله. (۱۳۹۵). موسوعة الامام الخميني؛ ولايت فقيه؛ سايت انديشه قم، مقاله «رجوع به فقها در عصر غیبت».
- شهرستانی، محمد بن عبد الکریم. (۱۴۱۵ق). الملل و النحل. لبنان. بیروت: دار المعرفة.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة (چاپ دوم). تهران: اسلامیه.
- صدوق، محمدبن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج (محقق و مصحح: محمد باقر خراسان). مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۴۰۵ق). تلخیص المحصل. بیروت: دارالاضواء.
- قندوزی، حنفی. (۱۴۱۶ق). سلیمان، ینایع الموده لذوی القربی. بی جا: دارالاسوه.
- کشی، محمد بن عمر کشی. (۱۳۴۸ق). اختیار معرفة الرجال، مصحح: حسن مصطفوی. مشهد:

دانشگاه مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). اصول کافی. تهران: المكتبة الاسلاميه.

مجلسی، محمد باقر. (۱۳۹۵ق). بحار الأنوار (ط ۲). تهران: المكتبة الاسلاميه.

ابوالحسن، مسعودی. (۱۴۲۳ق). اثبات الوصیه للامام علی بن ابی طالب عليه السلام (چاپ سوم). قم: انتشارات انصاریان.

مسعودی، أبو الحسن علی بن حسین. (۱۳۷۵). مروج الذهب، (چاپ پنجم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی).

مرتضی، علی بن الحسین. (۱۴۱۱ق). الذخیره فی علم الکلام. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

مفید، محمد. (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: گنگره شیخ مفید

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الفصول المختارة (محقق / مصحح: علی میر شریفی، چاپ اول). قم: گنگره شیخ مفید.

نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵). رجال (چاپ ششم) قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین.

نوبختی، حسن بن موسی. (۱۳۹۵ق). فرق الشیعة (با مقدمه شهرستانی). بیروت: دار الأضواء.

References

- Abu al-Hasan Mas'udi. (2002). *Ithbat al-wasiyyah li al-Imam 'Ali b. Abi Talib* (3rd ed.). Qom: Ansariyan Publications. [In Arabic]
- Ahmadi Kachaei, M. (2022). Examining the conduct of Imam Askari regarding Imam Mahdi. *Islamic History Scientific-Research Quarterly*, 23, pp. 7–26, (No. 89). [In Persian]
- Ash'ari, S. b. A. (1981). *Al-Maqalat wa al-firaq* (M. J. Mashkur, Ed.). Tehran: Scientific and Cultural Publications Company. [In Arabic]
- Har Amili, M. b. H. (1993). *Wasa'il al-Shi'a ila tahsil masa'il al-Shi'a* (Vol. 2, 2nd ed.). Qom: Al al-Bayt Institute for Reviving Heritage. [In Arabic]
- Ibn Babewayh, M. b. A. (1992). *Man la yahduruhu al-faqih* (Vol. 2) (A. A. Ghafari, Ed. & Rev.). Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
- Kashi, M. b. 'U. (1929). *Rijal* (Vol. 2) (H. Mostafavi, Ed.). Mashhad: University of Mashhad. [In Arabic]
- Khasibi, H. b. H. (1998). *Al-Hidaya al-kubra*. Beirut. [In Arabic]
- Khomeini, R. (2006). *Al-Taharah* (Vol. 3). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Khomeini, R. (2016). *Mawsu'at al-Imam al-Khomeini: Wilayat al-faqih*. Andisheh Qom Website, article: "Referring to Jurists in the Era of Occultation." [In Arabic]
- Kulayni, M. b. Y. (1986). *Usul al-Kafi* (Vol. 1). Tehran: Al-Maktabah al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Majlisi, M. B. (1975). *Bihar al-anwar* (Vol. 50, 2nd ed.). Tehran: Al-Maktabah al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Mas'udi, A. b. H. (1996). *Muruj al-dhahab* (Vol. 4) (A. Pāyandeh, Trans., 5th ed.). Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- Mufid, M. (1992). *Al-Irshad fi ma'rifat hujjaj Allah 'ala al-'ibad*. Qom: Sheikh Mufid Congress. [In Arabic]

- Mufid, M. b. M. (1992). *Al-Fusul al-mukhtarah* (Vol. 2) (A. Mir Sharifi, Ed. & Rev., 1st ed.). Qom: Sheikh Mufid Congress. [In Arabic]
- Murtada, A. b. H. (1991). *Al-Dhakhira fi 'ilm al-kalam* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- Najashi, A. b. A. (1986). *Rijal* (6th ed.). Qom: Islamic Publishing Institute affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
- Nobakhti, H. b. M. (1975). *Firaq al-Shi'a* (With an introduction by Shahrestani). Beirut: Dar al-Adwa. [In Arabic]
- Qonduzi Hanafi, S. (1995). *Yanabi' Al-Mawaddah Li-Dhawi Al-Qurba* (Vol. 3). [No place]: Dar al-Aswah. [In Arabic]
- Saduq, M. b. A. (1975). *Kamal al-din wa tamam al-ni'mah* (Vol. 2, 2nd ed.). Tehran: Islamiyya. [In Arabic]
- Saduq, M. b. A. (1992). *Man la yahduruhu al-faqih* (A. A. Ghafari, Ed. & Rev., 2nd ed.). Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
- Shahrestani, M. (1994). *Al-Milal wa al-nihal* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
- Tabarsi, A. b. A. (1983). *Al-Ihtijaj 'ala ahl al-lajaj* (Vol. 2) (M. B. Kharsan, Ed. & Rev.). Mashhad: Murtadha Publications. [In Arabic]
- Tusi, K. N. (1985). *Talkhis al-muhassil* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Adwa. [In Arabic]
- Tusi, M. b. H. (1991). *Kitab al-ghaybah lil-hujjah*. Qom: Dar al-Ma'arif al-Islamiyyah. [In Arabic]